

خدمت به

مهمانان سرزمین کربلا

اربعین امسال هم مشهدی ها بخش بزرگی از پذیرایی مهمانان پیاده رابرهده گرفته اند



زهره جاوید



این روزهای آن ها همچون دیگر ایام سال نمی گذرد. نه ساعت ۷ صبح اداره هستند، نه کمی دیرتر کرکره مغازه را بالای می کشند. از نهار ظهر وشام شب کننار اعضای خانواده هم خبری نیست. حتی خوابیدن ها هم دیر و زود دارد و گاهی حساب که می کنند یک شبانه روز است که بیدارزند و سرگرم کار امانه همان کار کردن روزمره، کاری برای دیگری؛ آن طور که به حساب حقوق و دستمزد نمی آید؛ آنچه اسمش را خدمت گذاشته اند. در عشقشان به صاحب این روزها تردیدی نیست، به حدی که چندروز از زندگی شان را وقف آدم های این سووآن سوی مرز کرده اند. مرز کربلا و میزبانی از زائرانش. گزارش امروز حاصل شنیدن صدای کسانی است که در هر پوشش و لباسی در حال خدمت خالصانه اند. از انتخاب شدن های انتخابی شان گفته اند و روزهای حال خوبشان.

زهره جاوید

شوق در مان زائر امام حسین (ع) لطف دیگری دارد

دیگر اما هیچ حسی بالاتر از این نیست که زائری باحال بد به شما مراجعه کند و با سلامت از تخت پایین بیاید و دعاگویان تو را ترک کند. من پرستاری در بیمارستان ها و امدادگری را بارها تجربه کرده ام اما شوق درمان زائر امام حسین^(ع) لطف دیگری دارد. «اینجا کربلا نیست بلکه کرب و بلاست، یعنی قدم گذاشتن در مسیر سخت،» این جمله را از قول دوستانش به صحبت ها اضافه می کند، وقتی قرار است از سختی های راه بگوید: از روزی که راه افتاده ایم مشکلات زیادی را تجربه کرده ایم ولی هدف نهایی سختی ها را تحمل پذیر می کند. یعنی چون نتیجه نهایی قشنگ است، دردها به چشم نمی آید.

اسدیان چند سالی است که پای ثابت طرح «هم سفران خورشید» مشهد شده است، همانی که در ایام شهادت امام رضا^(ع) به زائران امداد رسانی می کند: امداد ونجات با عنوان هلال احمر به زائران پیاده آقا افتخار من است اما لذت ماندن در روزهای اربعین چیز دیگری است، شوری وصف ناپذیر، اینکه میلیون ها نفر عاشق را از نزدیک ببینید با دیدن عکس و فیلم هایشان خیلی تفاوت دارد. دیدن کودک، معلول جسمی شدید یا سالمند که به سوی کربلا می رود، هیچ توصیفی جز زیبایی ندارد. آن هم در گرمای شدید هوا که من نمونه اش را در چندسال عمرم تجربه نکرده ام. شاید یک آدم عادی برای ایستادن در این هوا ۱۰ دقیقه هم طاقت نیاورد ولی نه کمبود امکانات از سفر منصورشان می کند نه سختی مسیر.

سجاد اسدیان از سال ۹۳ عضو جمعیت هلال احمر استان شده است و حالا ۲۲ ساله است. شاید همان روحیه درونی ایثارگری سبب شد دانشجوی رشته پرستاری شود. سابقه خدمتش در بیمارستان های مشهد فراوان است ولی برای حضور در ایام اربعین امسال تصور می کند طلبیده شده است و می گوید: سال گذشته هم پیشنهاد اعزام به کربلا را داشتم ولی قسمت نشد بروم. امسال اما خودم نیت کردم راهی شوم و درحالی که در سامانه ثبت نام کرده بودم شبی خبر دادند از طرف هلال احمر یک تیم اتوبوس آمبولانس همین فردا در حال اعزام است و من هم به همین سرعت با تیم امدادگران راهی کربلا شدم.

چهارم شهریور روزی است که خودرو آنان از مشهد راه افتاد و دوازدهم در شهر نجف مستقر شدند. سخن از خدمت به خلق و پرستاری آن هم به صورت امدادگر داوطلب که به میان می آید، از کارهایی که می کند اطمینان قلبی دارد: هدف اصلی و همیشگی ما در جمعیت هلال احمر خدمت کردن است. برایمان فرقی ندارد که به چه کسی با چه نژاد، رنگ پوست و دین و مذهبی کمک می کنیم. حتی وقتی نیت خدمت باشد بین زائر امام حسین^(ع) و امام رضا^(ع) هم فرقی نمی گذاریم.

از روزی که به مقصد رسیده اند در مراکز درمانی هلال احمر و شهر نجف بوده و همه جور بیماری هم دیده است: هم یک مورد فوتی داشتیم، هم سوختگی شدید، هم شکستگی جمجمه و موارد سرپایی

زوج امدادگر در نجف

برای اولین بار این راه دشوار و زیبا را تجربه می کند. عابدینی خودش را به عنوان راننده اتوبوس آمبولانس معرفی می کند اما شغل اصلی اش کارمند اداری هلال احمر مشهد است. پاسخ سؤالاتمان را با یک روز تأخیر می دهد، زیرا حجم کاری اش در آن شلوغی و ازدحام شدید است. باید به سرعت زائران مصدوم را از نجف به مرز مهران برساند که به ایران برگردند.

همه نوع شغلی در میان خادمان زائران اربعین دیده می شود. چه آن ها که پذیرایی می کنند و چه آنان که در نجات جان زائران باری رسان هستند. حسین عابدینی و همسرش دکتر سیده اسما حسینی نژاد باهم راهی سرزمین امام حسین^(ع) شده اند و از همین گروه اند.

مرد خانه تجربه ای از این گونه سفرها دارد اما خانمش

پاکبانی برای زائران آقا لذت بخش است



گفتم: خدا یا شکر که امام حسین^(ع) طلبید. از روزی که آمدم در خانه حضرت علی^(ع) و حضرت فاطمه^(ص) خدمت می کنم. خوشی های این روزهای خدمت به زائران امام حسین^(ع) همین دیدن چهره هایی است که از راه دور نزدیک خودشان را به اینجا رسانده اند. هر کدام حال عجیبی دارند. برخی هم وقتی می بینند که ما از مشهد برای خدمت به آن ها آمده ایم التماس دعا می گویند. خود همین کاری که انجام می دهیم برای من مثل یک زیارت قبول شیرین است.

● به طواف کعبه دل شکسته ها آمده ام

حجت نوروزی یکی دیگر از پاکبان های اعزامی از مشهد است، با سابقه ۲۶ سال خدمت به شهروندان و زائران مشهدی. اودومین باری است که نامش میان پاکبان های اعزامی از شهرداری مشهد قرار گرفته است. خوشحالی اش با بغضی میان جملاتش نهفته است. می گوید: مگر بهتر از این داریم که دوبار روزی و قسمت شود که برای خدمت به زائران راهی کربلا شوی؟ همه آن هایی که به کربلا آمده اند و در این روزها با پای پیاده راهی حرم امام حسین^(ع) هستند می دانند که چه حال و هوایی دارد. هرکس با هر توانی در مسیر کربلاست. پیر و جوان، زن و مرد. جمعیت زیادی از ایرانی ها در مسیر پیاده روی هستند. چند روز قبل مقابل خانه امام علی^(ع) و حضرت فاطمه^(ص) در قسمت زنان چند زن به دلیل ازدحام جمعیت زمین خوردند و به همین دلیل و به خاطر جلوگیری از ازدحام، محل زیارت بانوان را بستند. تعداد زیادی از خانم ها که از راه دور و خسته خودشان را به اینجا رسانده بودند. وقتی در این شهر و دیدن این حس و حال ها در اشک می ریختند. بودن در این شهر و دیدن این حس و حال ها برای من حج است. انگار به طواف کعبه دل شکسته ها آمده ام. هوا در این چند روز گرم بود و با لباس خدمت و ماسک، خیس عرق می شدیم اما لحظه ای درمان رادر برابر مقام زائرانی که راهی کربلا هستند بلند نکردیم.



راننده چندساله اربعین های حسینی



زائران را جابه جا کنیم اما دولت آن کشور اتوبوس ها را تقسیم بندی کرد و قرار شد اتوبوس های رایگان ما مسافران رادر مرز مهران به شهر کوت برسانند.

عشق به خدمت رسانی به زائران در همه وجودش رخنه کرده است، به طوری که هنوز اربعین از راه نرسیده به زائران امام رضا^(ع) فکر می کند: افتخار زندگی ام خدمت کردن به زوار است، حالا زائر امام حسین^(ع) و همه ایام سال زائر امام رضا^(ع). به محض تمام شدن اربعین راه می افتم سمت مشهد که به شهروندان خدمت کنم.

اما با اسم نویسی در فهرست سرخط برگزیده و با جان و دل راهی شده و این روز وشب ها در مرز مهران مستقر است. یادآوری خاطرات خوب مسافرانی که به مقصد رسانده در لحن کلامش آشکار است: عشق به زائر امام حسین^(ع) وصف ناشدنی است. همین که زائر اسوار می کنم و هنگام پیاده شدن شانه مرا می بوسد، از سوغات شهرشان هدیه می دهد یا می گوید: «هر جا برویم دعایت می کنم،» برای همه زندگی من کافی است و اثرات این دعاها را هر نظر در زندگی ام لمس کرده ام. البته سفر به کربلا مشقت های فراوان کم ندارد که بعضی ها از عهده آن بر نمی آیند. خیلی ها همان روزهای اول برمی گردند اما من مانده ام چون اجرش را از صاحب این روزها خواهم گرفت.

وی درباره روزهایی که در مسیر رسیدن به زائران بود می گوید: ۱۱ شهریورماه از مشهد راه افتادیم و تا دوز روز بعد از اربعین در خدمت زائران می مانیم. قرار بود در شهرهای عراق

به تعداد صندلی های یک اتوبوس کنار جاده مانده بودند. می گفتند سه تا چهار ساعت. آواره زیر گرمای شدید شهر بدره. اتوبوسشان در جاده یک طرفه خراب شده بود. یکی از سربازان عراقی آمد سراغمان و دست و پا شکسته به ما فهماند که هم وطنان شما کنار خیابان مانده اند و هیچ اتوبوسی نیست که آنان را به شهر کوت برساند. یک لحظه تردید نکردم و راهی شدم. جلوی پای مسافران که مرز زدم برق چشمانشان طوری بود که انگار فرشته نجات دیده اند. با همه وجود تشکر می کردند و وقتی پیاده شدند من از خوشحالی آن ها توی آسمان ها بودم،» جواد مهرور اولین بار نیست که به عنوان راننده اتوبوس راهی مرز و مأمور به خدمت زائران اربعین می شود. سال هاست راننده اتوبوس سازمان اتوبوس رانی شهرداری مشهد است اما به گفته خودش از پنج سال پیش حتی اگر از سوی سازمان هم انتخاب نمی شده خودش داوطلب رفتن بوده است. امسال

بزرگ زندگی ام می دانم. محل خدمتشان درمانگاهی در نجف است. با مشاهده حوادث و مشکلاتی که برای زائران رخ می دهد اما از مشاهده شور و شوق زیارت غافل نیست: رضایت قلبی مردمی که خودشان را با هر سختی به زیارت امامان معصوم^(ع) رسانده اند جایی برای گله و شکایت نمی گذارد. هر چند که خدمت کردن های ما با کم خوابی شدید، کشیک های زیاد و مأموریت های فراون همراه است ولی در پایان هر مأموریت وقتی با دعاهای فراوان مصدومان رسیده به مرز ایران بدرقه می شویم، همه سختی ها از یادمان می رود.

همان زمان ارسال پیام هم هشت مصدوم را تحویل مرز داده است و خیلی کوتاه می گوید: من و همسرم در قالب یک گروه با اتوبوس آمبولانس به عراق اعزام شدیم. پیش از این نیز تجربه سفر در قالب گروه های درمانی را داشته ام که اینجا به یاری ام آمد. شادمانی عمیق همسرش را توصیف می کند که توفیق زیارت پیدا کرده است: هر سال آرزوی خدمت در روزهای اربعین را داشت و وقتی از طرف اداره به ما پیشنهاد شد که با هم اعزام شویم، خیلی خوشحال شد. آرزوی قلبی خود من هم خدمت به زائران آقا است و این روزها را توفیق

خادم آشپزان در مهران



نماز صبح دوساعتی خوابیدیم و دوباره از ساعت ۷ صبح بیدار شدیم که به کمک بچه هایی که کار آماده کردن صبحانه را از نیمه های شب شروع کرده بودند برویم. خدمت به زائران فقط تا روز اربعین نیست، چون جمعیت زیادی از زائران پس از اربعین راهی خانه های خود می شوند. کار ما تا روزهای بعد از اربعین برای پذیرایی از زائرانی که در مسیر بازگشت هستند ادامه دارد.

شیرین، مثل لحظه پیدا کردن زائران گم شده



شد. با همه این اتفاقات و لحظه های شیرین بعد از آن اما یک چیز برای من به عنوان یک ایرانی شایسته احترام است: پاکبان هایی که بی ادعا در این گرمای هوای کمر خم می کنند و زیاله ها را جمع می کنند. همه خیابان های اطراف حرم تمیزند. واقعا کار پاکبان ها در این روزهای گرم طاقت فرسا اجری دوچندان دارد.